



# نقد و نظریه‌های ادبی

از دهه‌های میانی قرن بیستم، چرخش بزرگی در نگره‌های فلسفی و ادبی پدید آمده و نظریه‌پردازی ادبی به صورت رشته‌های دانشگاهی، و درس‌های دانشگاهی مطرح گردیده است و امروزه یکی از مباحث مهم و پیشتاز روز در تمامی محافل ادبی و فلسفی است و روز به روز، گستره عمق و غنای بیشتر می‌یابد. امروزه نقد و نظریه‌پردازی ادبی جایگاه ویژه‌ای را در عرصه ادبیات بدست آورده و در اهمیت نقد و نظریه‌پردازی ادبی همین بس که مکاتب جنجالی و مهم اصلاً حاصل موج و مد نیستند، بلکه خود موج ساز و تحول‌زا هستند. امروز در کمتر دانشگاه و دانشکده جدی در جهان ممکن است اصطلاحات این حوزه از قبیل آشنایی‌زدایی، نشانه‌شناسی، زبان‌شناسی، دیالوگ، گفتمان و غیره و مکتب‌های نظری از قبیل ساختارگرایی، ساختار شکنی، فمینیسم و غیره بحث نشود. این مباحث از حد یک تفنن، یک محفل، و به جرأت باید گفت حتی از حد خود شعر و داستان و ادبیات هم فراتر رفته است. دیگر مثلاً صحبت از قرائت، صحبت از ساختار، نشانه و بازی در کلام علوم انسانی می‌شود و بحث به تمامی عرصه‌های زندگی و حتی مرگ کشیده شده است. به حتی بسیاری از این مباحث به مقوله مرگ نه به صورت سطحی و معمولی بلکه از دید فلسفی، ادبی و معرفت‌شناسانه

پرداخته‌اند و بحث‌های جدلی‌ای مطرح کرده‌اند که از جمله می‌توان به اثر بسیار جدید مالپاس (malpas) به نام مرگ و فلسفه اشاره کرد که بحث نظری پر دامنه‌ای است که با نظرگاهی فلسفی، ادبی و زیبایی‌شناسانه، مرگ را در اندیشه‌های فلاسفه از آگوستین تا به حال مثلاً در آراء نیچه، هایدگر و سارتر بررسی می‌کند. به هر حال، گستره نظریه‌پردازی ادبی امروزه تمام اندیشه، تمام جهان و تمامیت انسان را در کانون بحث و ترازوی سنجش قرار داده است و نمی‌توان به آن بهای لازم را نداد. یکی از برنامه‌های کتاب ماه ادبیات و فلسفه در سال آینده طرح و پی‌گیری جدی مباحث نقد و نظریه‌پردازی ادبی و فلسفی است که با مرور نظریه‌ها و آراء منتقدان و فیلسوفان مطرح قرن بیستم، این نظریه‌ها را برای مخاطبان و خوانندگان ایرانی روشن‌تر نماید، در اینجا از صاحب‌نظران می‌خواهیم که با طرح این مباحث، ما را در این راه یاری نمایند. مباحث جدید فلسفی، ادبی و هنری، نظریه‌های متنوعی که مطرح است نه تنها ما را به فهم و دریافت متون، بلکه به فهم بهتر جهان و پس از آن شناخت بهتر خویش و موقعیت خویش، در جهان قادر می‌سازد. این بحث‌ها از جمله بحث نقد و نظریه ادبی، سرزمینی نیست یعنی اختصاصاً غربی نیست. درست است که غربی‌ها آنها را

مطرح کرده‌اند اما موضوع بحث، انسان و جهان و متن به مفهوم غیر سرزمینی آن است؛ انسان به طور عام، مثل مفهوم وجود یا زمان. از سوی دیگر تبارشناسی این اندیشه‌ها به هند، ایران، یونان و سرزمین‌های دیگر می‌رسد و از همه اینها گذشته ما در متن جهان زندگی می‌کنیم و نمی‌توانیم یعنی دست خودمان نیست که از این متن یا بافت جهانی بیرون برویم. ما چه خواهیم و چه نخواهیم غرب و جهان به زبان خود با ما سخن می‌گوید و نشانه‌های خود و نظام نشانه‌ای خود را به کار می‌برد و اینکه ما به او یعنی به جهان یا غرب پاسخ ندهیم یا نشانگان او را درک نکنیم و نتوانیم پاسخ بدهیم، به خودمان آسیب رسانده‌ایم نه به غرب. بیشترین مشکلات ما از نشناختن، ندانستن و سوءتفاهم و اطلاعات نادرست است و گفتگوی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها یکی از مهم‌ترین عوامل درک درست در این عرصه است و کتاب نقش مهمی را ایفا می‌کند.

کتاب ماه ادبیات و فلسفه در عرضه تفکر و نقد و نظریه‌های ادبی و فلسفی و شناخت دقیق از میانی فلسفی گفتگوی تمدن‌ها گام برمی‌دارد و پرداختن به نقش ادبیات و فلسفه در عرصه گفتگوی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها را وظیفه خود می‌داند.